

- ۱ حدیث «حاسبوا قبل أن تُحاسبوا» با کدام یک از عبارتهای زیر قرابت معنایی دارد؟
(الف) به زبان دیگر مگوی و به دل دیگر مدار.
(ب) اندر همه کاری داد از خویشتن بده.
- ۲ بیت زیر با کدام گزینه ارتباط معنایی دارد؟
«شاد و بیغم بزی که شادی و غم / زود آیند و زود میگذرند»
(الف) هر شادی که بازگشت آن به غم است، شادی مشمر.
(ب) اثر غم و شادی پیش مردمان بر خود پیدا مکن.
- ۳ حدیث: «حاسبوا قبل ان تُحاسبوا»، با کدام عبارت قرابت معنایی دارد؟
(الف) به زبان دیگر مگو و به دل دیگر مدار
(ب) و اندر همه کاری داد از خویشتن بده
- ۴ کدام بخش از عبارت زیر، «حذف» شده است؟ نوع «حذف» را بنویسید.
چنین گویند مردی به بغداد آمد و بر درازگوش نشسته بود و بُری را رشته در گردن کرده، از پس وی می‌دوید.
- ۵ درباره‌ی «زاویه‌ی دید» و «شخصیت اصلی» داستان توضیح دهید.
- ۶ اگر این متن را داستانی نمادین بدانیم، هریک از عناصر زیر نماد چه چیزی است؟
(الف) بتّا
(ب) دیوار
- ۷ حدیث «حاسبوا قبل أن تُحاسبوا» با کدام عبارت درس، قرابت معنایی دارد؟
- ۸ برای مفهوم بیت زیر، عبارتی از متن درس بیابید.
«شاد و بیغم بزی که شادی و غم / زود آیند و زود میگذرند»
- ۹ مفهوم عبارت «گندم‌نمای جو فروش مباش» را بنویسید.
- ۱۰ در جمله‌ی زیر، نویسنده بر کدام ویژگی‌های اخلاقی تأکید می‌کند؟
«اثر غم و شادی پیش مردمان، بر خود پیدا مکن.»
- ۱۱ نویسنده، چه کاری را کودکانه می‌شمارد؟
- ۱۲ بهره‌گیری از «مَثَل» چه تأثیری در سخن دارد؟
- ۱۳ دو عبارت کنایی را از متن (درس دوم) بیابید و بنویسید.

مضارع اخباری	ساخت منفی	امر	فعل
.....	شنیده بودی
.....	داری می‌روی
.....	خواهید پرسید

در کدام جمله‌ی متن درس (درس دوم) حذف صورت گرفته است؟ نوع آن را مشخص کنید.

در متن درس (درس دوم)، سه گروه کلمه‌ی متضاد بیابید.

معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.
 الف) کتابی که در او دِاد سخن آرایبی توان دِاد، ابداع کنم. (سعدالدین وراوینی)
 ب) عشق شوری در نِه‌اد ما نِه‌اد. (فخرالدین عراقی)

۱ گزینه ب (ص ۲۵)

۲ گزینه الف (ص ۲۰)

۳ گزینه ب (ص ۳۰)

۴ حذف فعل کمکی «بود»، حذف به قرینه لفظی (ص ۱۲۸)

۵ زاویه‌ی دید: سوم شخص

شخصیت اصلی «ناصر» است؛ دیوار را به شکل یک دیو می‌بیند که مانع دوستی و روابط انسانی میان آن‌ها می‌شود.

۶ الف) بتا: عامل یا مسبب جدایی، برهم زنده‌ی تفاهم.

ب) دیوار: جدایی انسان‌ها و مانع تفاهم جوامع بشری

۷ هر که داد از خویشتن بدهد از داور مستغنی باشد.

۸ بزى: زندگی کن (مصدر: زیستن)

هر شادی که بازگشت آن به غم است، آن را شادی مَشْمُر، و به وقت نومیدی امیدوارتر باش و نومیدی را در امید، بسته دان و امید را در نومیدی.

۹ پرهیز از دورویی و ریا

۱۰ رازدار بودن و خویشتن‌داری

۱۱ زود شاد و اندوهگین شدن را.

۱۲ نوشته را زیبا می‌سازد و بر تأثیر سخن می‌افزاید.

۱۳ تاج سر بودن کنایه از بزرگ و مایه‌ی افتخار بودن - سردر گریبان بردن: کنایه از در اندیشه بودن از روی شرمندگی

مضارع اخباری	ساخت منفی	امر	فعل
می‌شنوی	نشنو	بشنو	شنیده بودی
می‌روی	نمی‌روی	برو	داری می‌روی
می‌پرسید	نخواهید پرسید	پرس	خواهید پرسید

۱۴ امید را در نومیدی (بسته دان) به قرینه‌ی لفظی

۱۵ غم، شادی / نیک، بد / حق، باطل / ایمن، نایمن

الف) کتابی که در او داد سخن آرایبی توان داد.
حق ادا کرد

ب) عشق، شوری در نهاد ما نهاد
وجود قرار داد